

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

## لوله و لویان

ماش! ای گولۀ تزویر ، بمیدان تا کی؟  
رقص ، بر ساز ستمکارۀ دوران تا کی؟  
سینه صدق مرا ، تخمۀ نفرت کشتی  
حاصلم سوختی و نقض به پیمان تا کی؟  
سالها ما و تو در دیگ وفا جوشیدیم  
حیف ، نا پخته زهم گشته گریزان تا کی؟  
مکر اغیار ، چه سان ریشه تفریق دواند  
به کھی ، باختن لؤلؤ و مرجان تا کی؟  
ناکسی کس نشود ، زحمت بیهوده چرا  
به تن هر خری ، دوزیدن پالان تا کی؟  
به جنوب و به شمال و گهی شرق و گهی غرب  
بی سبب هر طرفی ، لوله و لویان تا کی؟  
گهی از راست کند جلوه ، گهی عشوه زچپ  
از پس و پیش ، سر و کله بجنبان تا کی؟  
گهی از ده ، سخن گفتن و گاهی ز درخت  
زاغ در باغ ، غزلخوان و خرامان تا کی؟  
ز غنی خواست خرامد به چمن ، چون کبکی

رفتنش یاد خودش رفته و، لنگان تا کی؟  
وا، ز قریباغه ، که تقلید کند از ماری  
لَخْکَشِ درزی و ، بشکسته و ، لرزان تا کی؟  
ماش! در دیگِ بقا پخته اگر می نشوی  
زیرِ دندانِ فناء ، میده و پاشان تا کی؟  
ماش! در خوانِ ادب ، شله شدن فخر تراست  
پیش پایِ رفقا ، مستی و لولان تا کی؟  
ماش! گر دال شوی ، سخت ازان میترسم  
به لباسِ دگری ، جلوه به هرآن تا کی؟  
ماش! ای حامله از نطفهٔ تدلیس و ریا  
ماه یک مرتبه ، بی قابله زایان تا کی؟  
ماش! ای کاش ، چو بزغاله ترا ریشی بود  
قیمتِ پشم بلند میشود و ، ارزان تا کی؟  
ماش! ای کاش ترا ، زلفِ چلیپای بود  
شانه بر گیسویِ هر طالبِ نادان تا کی  
ماش! دیگر نبود ، با تو سر و کار مرا  
خرمن هستییم از جورِ تو سوزان تا کی؟  
ماش بامانِ خدا ، میروم از شهرِ شما  
جگرم پاره و پرخون شد و بریان تا کی؟  
ماش! من بعد، ترا راهی و مارا راهی  
آتش و آب ، به یک دیگ ، دلنگان تا کی؟  
«نعمتا» ماش میز آش ، به هر داش که فاش  
لاشِ تو قاش ، ز پرخاشِ حریفان تا کی؟

\*\*\*\*\*